



**CUDRAS**

Center for Universal Drug Researches  
Approaches & Studies

شماره ۶ | مرداد ۹۹

گزارش راهبردی

# نگاهی به سیاست مخدري آمريکا نقص‌های بحران‌زا



**CUDRAS**

Center for Universal Drug Researches  
Approaches & Studies

نگاهی به سیاست مخدری آمریکا؛ نقص‌های بحران زا

گزارش راهبردی شماره ۶



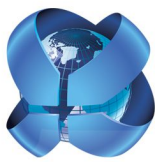
**CUDRAS**

Center for Universal Drug Researches  
Approaches & Studies

هم‌اندیشی جهانی راه برتر (کادراس)

منصور براتی

مرداد ۱۳۹۹



## بسمه تعالی

### مقدمه

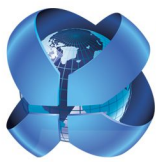
موسسه پژوهشی کادراس در راستای دستیابی به اهداف علمی خود با تعریف یک مدخل جدید درصدد است مجموعه‌ای از موضوعات راهبردی و مهم را برای مبارزه با مواد مخدر / محرک و روانگردان در ایران، منطقه جنوب غربی آسیا و نیز جهان تدوین کند. با توجه به اهمیت وافر برخی از موضوعات در دانش اعتیاد و مبارزه با آن، مجموعه پیش رو با عنوان «گزارش راهبردی» به انتشار خواهد رسید و در آن به موضوعاتی همچون «نارکوتروریسم»، «روندهای کشت و تولید و فروش مواد در جهان»، «تحولات بازارهای مصرف»، «وضعیت دولت‌های شکننده در مبارزه با مواد»، «جنگ با مواد و مقابله با عرضه»، «ظرفیت‌های ادیان در پیشگیری از اعتیاد و مقابله با آن»، «بررسی انتقادی تجربیات کشورهای پیشرو»، «ظرفیت‌های سیاست جنایی مشارکتی برای پیشگیری از اعتیاد»، «سیاست مخدری جمهوری اسلامی ایران» خواهد پرداخت. ششمین شماره گزارش راهبردی موسسه کادراس به «نگاهی به سیاست مخدری آمریکا؛ نقص‌های بحران زا» می‌پردازد.

علت قرار گرفتن این موضوع در قالب گزارش‌های راهبردی آن است که در گزارش‌های راهبردی بدون درگیر شدن در مباحث تئوریک و نظری انتزاعی و دشوار، موضوعات مهم و دارای اولویت راهبردی در حجمی کوتاه به بحث گذاشته می‌شوند با بررسی «وضع موجود» و کاستی‌های آن به ترسیم افق‌های «وضع مطلوب» خواهیم پرداخت و نهایتاً توصیه‌هایی برای حرکت به سوی این وضع در هر گزارش ارائه خواهیم کرد.

از این رو از همه پژوهشگران، استادان، علاقه‌مندان و ارباب نظر در این زمینه‌ها می‌خواهیم گزارش‌های یاد شده را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را نیز به آدرس ایمیل [info@cudras.ir](mailto:info@cudras.ir) ارسال نمایند.

با تشکر - موسسه کادراس





## بیان رخداد

اعتیاد به انواع مواد یکی از بزرگ‌ترین و دیرپاترین معضلات جامعه بشری به شمار می‌آید. اگرچه سابقه مصرف انواع مواد به دوره باستان و برخی مراسم آئینی نیز می‌رسد، اما اعتیاد به عنوان یک معضل عمدتاً پدیده‌ای جدید و محصول ۲۰۰ سال اخیر است. با وجود همه تلاش‌های انجام شده برای مقابله با مواد مخدر و ترک اعتیاد متقاضیان، اما نه تنها این معضل هنوز به قوت خود باقی است، بلکه هر ساله شدیدتر و پیچیده‌تر نیز می‌شود. به ویژه در یک‌دهه اخیر اعتیاد و تجارت سازمان یافته مواد مخدر به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌هایی که کشورهای مختلف با حد و حدود متفاوت تحت تأثیر آن هستند مبدل شده است. در نتیجه گسترش این بحران، دولت‌های مختلف به قانون گذاری برای محدود کردن کشت، تولید، قاچاق و نیز مصرف مواد روآورده‌اند. در ۵۰ سال گذشته هرچه به سوی زمان حال حرکت کنیم، بر میزان سازمان یافتگی، هوشمندی، چابکی و تغییر پذیری فعالیت‌های اقتصادی مجرمانه در این زمینه کشت، تولید، قاچاق و ترانزیت و حتی مصرف مواد بیشتر و بیشتر شده است. به طوری که معضل مصرف و قاچاق مواد غیرقانونی از یک موضوع حاشیه‌ای و نه چندان مهم رفته رفته به یکی از اولویت‌های اصلی کشورها مبدل شده است. به همین منظور است که برخی کشورهای جهان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را علیه مواد مخدر در پیش گرفته‌اند. از هنگامی که محافل سیاسی و تصمیم سازان کشورهای مختلف به طور نظام‌مند به مقابله با مواد مخدر و اعتیاد فکر کردند و برنامه‌هایی مدون و منقح را برای این امر طراحی کرده و به اجرا درآوردند، با مفهوم جدیدی در ادبیات سیاسی و علمی این حوزه روبه‌رو هستیم که از آن به «سیاست مخدری» یاد می‌شود. در گزارش پیش‌رو به بررسی طیف خاصی از سیاست مخدری دولت ایالات متحده آمریکا می‌پردازیم و نتایج و نقاط ضعف آن را از نظر می‌گذرانیم. یکی از نشانه‌های شکست عمیق سیاست جنگ با مواد در آمریکا شیوع گسترده اعتیاد به اپیوئیدهای تجویزی است. در گزارش‌های راهبردی بعدی به اعتیاد سایر مواد در این کشور می‌پردازیم.

منظور از سیاست مخدری، عمدتاً سیاست یک حکومت (به معنای نهادی کلمه در همه سطوح، از سازمان‌های بین‌المللی گرفته تا حکومت‌های ملی، دستگاه‌های محلی و حتی کلپ‌های شبانه)، در ارتباط با کنترل و قانون گذاری در قبال مواد غیرقانونی و روانگردان، به‌ویژه آنهایی که مصرف‌شان اعتیادآور است و یا وابستگی فیزیکی و روانی به همراه می‌آورد.

از آنجا که تلاش‌های دولت‌ها برای مبارزه با اعتیاد و وابستگی عمدتاً به دو مفهوم «عرضه» و «تقاضا»ی مواد و ارتباط دارد. همچنین سیاست‌هایی که آسیب‌های ناشی از مصرف مواد را کاهش می‌دهد و نیز درمان پزشکی اعتیاد نیز از جمله دیگر ابعاد مفهوم سیاست مخدری است.

در جناح کاهش تقاضا، با اقداماتی نظیر درمان داوطلبانه، ترک اعتیاد، درمان جایگزین، مدیریت اوردوز، جایگزین‌های حبس برای جرایم مخدری جزئی‌تر، تجویز پزشکی مواد، پویش‌های آگاهی بخشی، خدمات جماعات اجتماعی و حمایت از خانواده‌ها قرین است. اما جناح کاهش عرضه، شامل اقداماتی نظیر به‌کارگیری سیاست‌هایی با هدف امحای کشت گیاهانی که برای تولید مواد مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز جلوگیری از قاچاق مواد در سطح بین‌المللی، تعیین مجازات و جریمه برای مجرمان مواد مخدر و حبس مجرمانی که علیه آنها حکم صادر شده است. همچنین سیاست‌هایی که برای تعدیل مصرف مواد در پیش گرفته می‌شوند نیز عبارتند از برنامه تأمین سرنگ، برنامه‌های جایگزینی مواد یا واگذاری رایگان لوازم سنجش خلوص مواد.

ایالات متحده یکی از نخستین دولت‌هایی است که به صورت نظام‌مند اقدام به تدوین سیاست‌های مخدری کرده است. اصولاً برخی پژوهشگران معتقدند مفهوم سیاست مخدری برای نخستین بار در آمریکا به کار رفته است. اما از آغازین روزهایی که آمریکایی‌ها به صورتی نظام یافته به این مقوله فکر کردند، مفهوم جدیدی متولد شد که نشان از لزوم مبارزه جدی با مواد مخدر داشت.



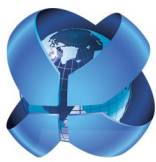
«جنگ با مواد مخدر» و یا «تحمل صفر در قبال مواد» را نخستین بار دولتمردان آمریکایی به عنوان یک سیاست نظام‌مند برای مقابله با مواد مخدر اعلام کردند. جنگ با مواد که به روشنی مبتنی بر رهیافت «کاهش عرضه» است، منجر به تصویب قوانینی سخت‌گیرانه در قبال مرتکبین به جرایم مخدری شده و با وجود برخوردهای شدید و افزایش قابل توجه شمار زندانیان این جرایم در آمریکا، نتوانسته این آسیب اجتماعی را در حد و حدودی قابل توجه کاهش دهد. البته تأکید مطلق بر رهیافت‌های رقیب نیز باعث قبح‌زدایی از مصرف مواد شده و نمی‌تواند بحران موجود را به سوی نقطه‌ای قابل قبول سوق دهد، در ادامه به فرازها و فرودهای سیاست جنگ با مواد در ایالات متحده می‌پردازیم و می‌کوشیم تأثیرات هر یک از سیاست‌ورزی‌ها را به گونه‌ای برجسته‌سازیم که درس‌های آن برای کشورمان ملموس و قابل رهگیری شود.

مصرف بسیاری از مواد غیر قانونی، از جمله ماری‌جوانا، تریاک، کوکائین و نیز روان‌گردان‌ها صدها سال است که به دلایل پزشکی و معنوی میان ملت‌های مختلف جهان رواج دارد. یک سوال مهم در این رابطه عبارت است از اینکه چرا برخی از این مواد قانونی به حساب می‌آیند و برخی دیگر غیرقانونی هستند؟ به نظر می‌رسد چنانچه کشور آمریکا مبنای ما باشد پاسخ این سوال را نباید در تحلیل‌های علمی درباره میزان خطر این مواد که در افرادی جست‌وجو کرد که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند.

نخستین قوانین ضد تریاک در دوره مدرن را چینی‌ها در قبال مهاجران خود وضع کردند که این امر به دهه ۱۸۷۰ باز می‌گردد. نخستین قوانین ضد کوکائین نیز در اوایل دهه ۱۹۰۰ مردان سیاهپوست را در شرق استرنا می‌کند. همچنین نخستین قوانین ضد ماری‌جوانا در غرب میانه در دهه‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ خطاب به مهاجران مکزیکی و آمریکایی‌های دارای اصالت مکزیکی وضع شده بود. امروزه نیز در قبال جماعت‌های لاتین و سیاه پوست قوانین تبعیض آلودی در حوزه مواد مخدر و مجازات‌های آن وجود دارد.

البته در آغاز این مفهوم دارای ابعادی در حوزه مقابله با تقاضا نیز بود، یعنی علاوه بر ممنوعیت و ریشه‌کنی مواد باید برنامه‌های وسیع درمانی نیز اجرا شود؛ اما در عمل بیشتر تلاش‌ها معطوف به مقابله با عرضه بود تا کاهش تقاضا. اعلان جنگ علیه مواد در این دوره در عمل منجر به نتایج نامطلوبی به‌ویژه افزایش چشمگیر شمار زندانیان از ۵۰۰۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۴۰۰۰۰۰ در سال ۱۹۹۷ شد. نتایج این استراتژی نشان داد نه تنها ریشه‌کن‌سازی مواد محقق نشد بلکه با افزایش چشم‌گیر مصرف مواد و مشروبات الکلی تغییر در این استراتژی نیز احساس شد.

همچنین، سیاست کارتر در بین سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۷۷ نیز بر ممنوعیت و ریشه‌کن‌سازی استوار بود. در این دوره نیز با افزایش مصرف کوکائین از ۲۵ تن به ۱۳۷ تن و به دلیل ارتباط آن با ماری‌جوانا، برنامه قانونمندی‌سازی ماری‌جوانا از دور خارج شد. بعد از کارتر، ریگان رییس‌جمهور وقت آمریکا سیاست ریشه‌کنی را مانند قبل ادامه داد، در واقع اگر در دوره نیکسون به سیاست کاهش تقاضا اشاره شده بود، سیاست ریگان در جنگ با مواد تنها به حوزه مقابله با عرضه محدود شده بود؛ به گونه‌ای که هزینه این اقدامات از ۴۳۷ میلیون دلار دوره کارتر به ۱٫۴ میلیارد دلار در دوره اول ریگان رسید، این امر در حالی بود که هزینه مربوط به آموزش، پیشگیری و درمان و توانبخشی با کاهش مواجه شده بود. در دوره کلینتون نیز همان سیاست جنگ علیه مواد ادامه داشت، اما در این دوره برنامه‌های پیشگیری، درمان و توانبخشی نیز مورد توجه قرار گرفت.



## تحلیل رخداد

در دهه ۱۹۶۰ مصرف مواد میان جوانان آمریکایی به نماد سرکشی جوانی، خیزش اجتماعی و ناراضی‌های سیاسی مبدل شده بود، در نتیجه دولت آمریکا پژوهشی را برای ارزیابی سطح ایمنی و کارآمدی پزشکی آنان در پیش گرفت. در سال ۱۹۷۱ نیکسون اعلام کرد می‌خواهد دولت آمریکا را به «جنگ با مواد» بفرستد. او سطح و میزان آژانس‌های فدرال کنترل مواد را شدیداً افزایش داد و به این نیروها اجازه داد تا اقداماتی از جمله «مجازات اجباری» و «ورود بدون اطلاع قبلی» را در برنامه‌های خود انجام دهند.

«جان ارلیچمن»، دستیار ارشد وقت نیکسون بعدها در این خصوص گفت: «اگر می‌خواهید بدانید که واقعاً چه حقیقتی پشت این سیاست نهفته است باید به این توجه کنید که دو گروه اصلی مخالفان کمپین انتخاباتی نیکسون در سال ۱۹۶۸ و سپس کاخ سفید دوره نیکسون به حساب می‌آمدند: جناح چپ ضد جنگ و سیاه پوستان.

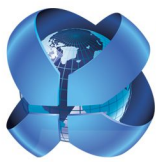


### جان ارلیچمن، دستیار ارشد ریچارد نیکسون

ما نمی‌توانستیم ضد جنگ بودن و سیاه‌پوست بودن را ممنوع کنیم، اما با منتسب کردن ماری‌جوانا به هیپی‌ها و هروئین به سیاه‌پوستان و اعلام جرم گسترده علیه آن‌ها توانستیم درون این جماعت‌ها اختلال‌هایی ایجاد کنیم. رهبران آن‌ها را دستگیر کردیم، خانه‌هایشان را مورد حمله قرار دادیم، نشست‌هایشان را برهم زدیم و هر شب از آن‌ها در برنامه‌های خبری دیوهای چندسری ساختیم. اگر سوال کنید که ما می‌دانستیم دروغ می‌گوییم؟ پاسخ روشن است بله می‌دانستیم. «نیکسون موقتاً ماری‌جوانا را «اولویت اول» مبارزه عنوان کرد که البته سپس توسط کمیسیون که «ریموند شافر»، فرماندار جمهوری‌خواه پنسیلوانیا مورد بازنگری قرار گرفت.

در سال ۱۹۷۲ کمیسیون مذکور با قاطعیت جرم‌زدایی از مالکیت و حتی توزیع ماری‌جوانا برای مصارف شخصی را توصیه کرد. نیکسون گزارش این کارگروه را نادیده گرفت و توصیه‌های آن را رد کرد. با این حال در بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷، ۱۱ ایالت آمریکا اقدام به جرم‌زدایی از مالکیت ماری‌جوانا کردند. در ژانویه ۱۹۷۷ جیمی کارتر که یکی از شعارهایش جرم‌زدایی از ماری‌جوانا بود، سوگند ریاست جمهوری خورد. در اکتبر همان سال کمیته قضایی سنا مالکیت تا یک اونس ماری‌جوانا برای مصارف شخصی را جرم‌زدایی کرد.





به این ترتیب می‌بینیم که تنها در طول چند سال تفریط اولیه به افراط ثانوی منجر شد. پس از مدتی پیش نویس‌هایی که برای جرم‌زدایی از مصرف ماری‌جوانا آماده شده بود، به خاطر بروز نگرانی شدید میان والدین رفته رفته از دستور خارج شد. نهایتاً موضوع ماری‌جوانا که در دهه ۱۹۷۰ به سوی جرم‌زدایی رفته بود سپس در چنبره یک عقب‌گرد فرهنگی گسترده‌تر گرفتار شد.

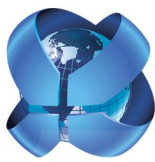
با ریاست جمهوری «رونالد ریگان» دوره طولانی جدیدی در آمریکا آغاز شد و شمار بازداشت‌های مرتبط با جرایم مخدری چند برابر شد. ریگان بیش از نیکسون به سیاست جنگ با مواد معتقد بود. در حالی که شمار افراد زندانی به خاطر جرایم مخدری غیر خشونت آمیز از ۵۰ هزار تن در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۹۹۷ رسید. در طول دهه ۱۹۸۰ به دلیل تصاویری که رسانه‌ها از افراد معتاد به گونه‌ای کوکائین که «کراک» بلافاصله پس از به قدرت رسیدن ریگان، همسر او یک کمپین ضد مواد را با حمایت سنگین رسانه‌ای راه انداخت و شعار «فقط بگویید نه» برای آن سکه زد.

این روند نهایتاً منجر به اصلاح سیاست «تحمل صفر در قبال مواد» در سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ شد. «داریل گیتس»، رئیس پلیس لس آنجلس که معتقد بود «باید افرادی که به صورت مداوم مواد مصرف می‌کنند را گرفت و به آن‌ها گلوگه شلیک کرد» اقدام به راه‌اندازی برنامه آموزشی DARE کند. اگرچه شبهاتی درباره تأثیرگذاری این برنامه وجود دارد، اما به سرعت در سراسر ایالات متحده گسترش یافت. سیاست‌های خشن‌تر مقابله با مواد همچنین مانع گسترش برنامه‌های دسترسی رایگان به سرنگ و نیز دیگر سیاست‌های کاهش آسیب شد که برای کاهش شیوع سریع HIV/AIDS تدوین شده بودند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ هستی‌ری سیاسی درباره مواد مخدر به تصویب یک رشته مجازات‌های بسیار شدید در کنگره و سپاس پارلمان‌های ایالتی انجامید که نهایتاً باعث چند برابر شدن جمعیت زندانی کشور شد. در سال ۱۹۸۵ از هر ۶ آمریکایی دست‌کم ۲ تن در نظرسنجی‌ها اعلام می‌کردند که سوء مصرف مواد «معضل اول ملی» آمریکاست. این رقم در سال‌های بعد بیشتر نیز شد و تا جایی که در سپتامبر ۱۹۸۹ به ۶۴ درصد کل جمعیت بالغ شد. اما با گذشت کمتر از یک سال به دلیل تغییر اولویت‌های رسانه‌ها، این رقم به زیر ۱۰ درصد سقوط کرد! با این حال مجازات‌های شدیدی که در دوره شدت عمل تصویب شده بود، به جای خود باقی ماند و شمار زندانیان را روز به روز بیشتر و بیشتر کرد.

اگرچه بیل کلینتون در جریان کمپین انتخاباتی خود در سال ۱۹۹۲ اعلام کرده که از درمان به‌جای حبس طرفداری می‌کند، اما چند ماه پس از ورود به وی به کاخ سفید او به سیاست اخلاف جمهوری خواهش، یعنی جنگ با مواد بازگردد. مشهور است که او توصیه کمیسیون مجازات مبنی بر اصلاح تناقض میان مجازات‌های مطروحه در قبال کراک و پودر کوکائین را رد کرده است.

پس از دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ که جنگ با مواد سیاست غالب دولت آمریکا بود، جنبش دیگری برای اصلاح سیاست مخدری یانکی‌ها شکل گرفت. در سال ۱۹۸۷ آرنولد تریباچ و کوین زیسه اقدام به تأسیس بنیاد سیاست مخدری کرده و این تشکیلات را «اپوزیسیون وفادار ولی مخالف جنگ با مواد» خواندند. در این دوره دیگر حتی محافظه‌کاران برجسته‌ای همچون ویلیام بوکلی و میلتن فریدمن نیز از پایان دادن به ممنوعیت مواد حمایت می‌کردند.



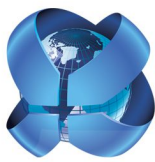
وقتی جورج بوش به قدرت رسید رفته رفته سیاست جنگ با مواد در حال خارج شدن از دور بود، اما هزینه‌هایی که صرف آن می‌شد هنوز بسیار بالا بود. جان والترز، مدیر دفتر ملی کنترل مواد مخدر با مشی محتاطانه‌تر اقدام به راه‌اندازی یک کمپین نظارت بر دانش‌آموزان کرد. با این حال مصرف مواد غیرقانونی همچنان ادامه داشت و مرگ‌های ناشی از بیش‌مصرفی در حال رشد بود. سال‌های حکومت بوش پسر شاهد میلیتاریزه شدن قوانین مقابله با مواد بود. در پایان ریاست بوش پسر بر دولت آمریکا هر ساله دسته‌کم ۴۰ هزار حمله توسط نیروهای سوات (نیروهای شبه‌نظامی سلاح‌ها و تاکتیک‌های ویژه) گزارش شد. در سال‌های پس از شروع هزاره سوم میلادی افکار عمومی رفته رفته به اصلاح معقول سیاست مخدری آمریکا گرایش پیدا کرد و با آهنگ مشابهی رویکردهای سلامت محور و غیر جرم‌انگارانه در فضای جامعه طنین افکند. باراک اوباما نیز علی‌رغم حمایت از چند مورد اصلاح موفقیت آمیز - از جمله کاهش تناقض مجازات کراک و پودر، پایان دادن به ممنوعیت صرف بودجه‌های فدرال برای برنامه سرنگ رایگان و نیز ختم مداخله فدرال در زمینه قوانین درمانی ایالتی مرتبط با مصرف ماری‌جوآنا - اقدامی در جهت انتقال اکثریت بودجه‌های سیاست مخدری به حوزه سلامت نکرد. اما دولت کنونی آمریکا دیگر بار تهدیداتی مبنی بر بازگشت به جنگ با مواد همچون سال‌های دهه ۱۹۸۰ را مطرح کرده و ترامپ درصدد ساختن دیواری است که مرزهای آمریکا را از مواد حفظ کند. انتظار می‌رود در سال‌های آتی دولت ترامپ درگیری‌ها میان طرفداران آزادسازی و جرم‌انگاری مواد بیش از پیش عرصه عمومی آمریکا را به خود مشغول کند.

با گذشت بیش از چهل سال جنگ علیه مواد در آمریکا، نه تنها تغییرات اساسی در کاهش تعداد معتادان رخ نداد، بلکه با افزایش چشم‌گیر مصرف انواع مواد به ویژه مصرف کنندگان مواد محرک و روان‌گردان، رویکردهایی همچون قانونمندسازی و آزادسازی مصرف برخی از مواد نیز مطرح شد. به طور کلی می‌توان برآیند چندین دهه جنگ علیه مواد در آمریکا را با سه رویکرد کلی مورد توجه قرار داد.

بنابراین، تجربه شکست استراتژی جنگ با مواد در ایالات متحده آمریکا نیاز به تغییر اساسی در رویکردهای این کشور در امر کنترل مصرف مواد را ضروری کرده است. به گونه‌ای که در دهه اخیر آموزش، پیشگیری، درمان و حتی قانونمندسازی مصرف برخی از مواد به عنوان سیاستی مهم در کنار مقابله با عرضه مورد توجه قرار گرفته است. البته همچنان قاچاق و خرید و فروش مواد جرم و مجازات سنگینی دارد و تنها مقررات مربوط به مصرف کنندگان مواد قدری تعدیل شده است. برخورد کیفری و حبس‌های طولانی مدت نه تنها آمار شیوع اعتیاد در این کشور را کاهش نداده بلکه با ظهور مواد صنعتی و تنوع بالای آن جنگ با مواد را با چالش جدی روبرو کرده است. از سوی دیگر حوزه درمان و توانبخشی افراد معتاد در آمریکا نیز با مشکلات بسیار زیادی روبرو است؛ بر اساس آمارها در آمریکا تنها حدود ۵۰ درصد افرادی که می‌توانستند تحت درمان قرار بگیرند، درمان شده‌اند و این بدین معناست که مابقی آنها نادیده گرفته شده‌اند.

همچنین، هزینه‌های بسیار بالای جنگ با مواد در آمریکا نشان از شکست این استراتژی دارد. مقایسه بودجه‌های در نظر گرفته شده در جنگ با مواد در طول چهل سال گذشته نشان می‌دهد، نخستین بودجه مبارزه با مواد ۱۰۰ میلیون دلار بوده و پس از چهل سال به ۱۵۶ میلیارد دلار رسیده، این امر نشان از چند نکته مهم دارد؛ اول اینکه، مقابله با عرضه به تنهایی در کنترل مواد در آمریکا کافی نبوده، بلکه باید برنامه‌های کاهش تقاضا مانند پیشگیری، درمان و توانبخشی نیز پی گرفته شود. در واقع مبارزه و کنترل مواد با یک استراتژی تک ستونه امکان‌پذیر نیست، بلکه بخش مهمی از جامعه در معرض اعتیاد و معتادان نیاز به برنامه‌های درمانی و حمایتی دارند که باید برای آنها نیز برنامه‌هایی متناسب طراحی و اجرا شود؛





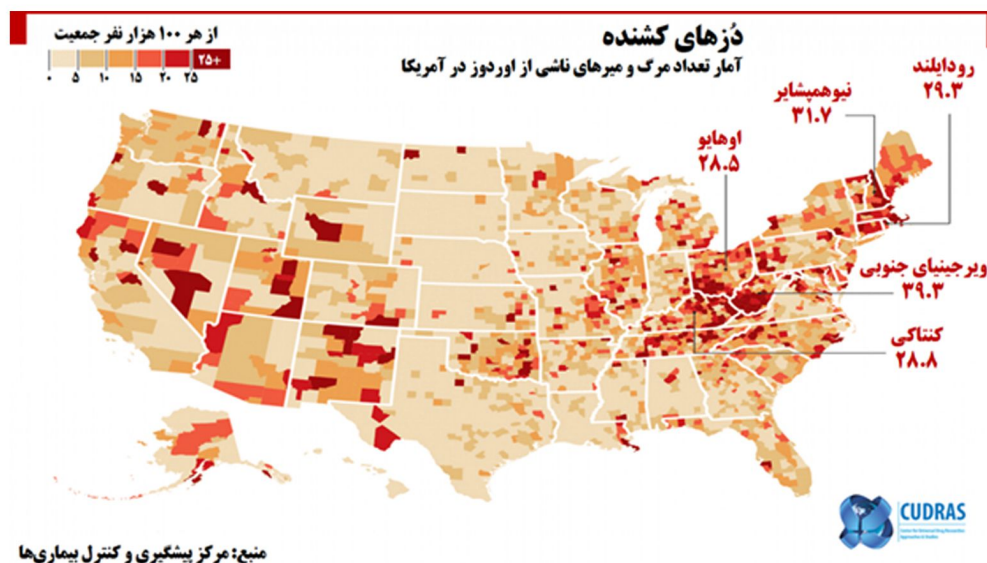
موضوعی که ایالات متحده آمریکا در تمام این سال‌ها به حاشیه رانده و تنها در دوره اوباما سیاست سخت‌گیرانه جنگ علیه مواد ناکارآمد اعلام شد و برنامه‌هایی در حوزه کاهش تقاضا و پیشگیری تدوین شد، هرچند با روی کار آمدن ترامپ مجدداً سیاست جنگ با مواد در اولویت قرار گرفت. امروزه بر اساس آمارها بخش مهمی از جمعیت آمریکا درگیر اعتیاد به انواع مواد و الکل هستند، در حالی که ترامپ همچنان سیاست مقابله با عرضه را کارساز می‌داند؛ نمونه واقعی این سیاست ایجاد دیوار در مرز آمریکا با مکزیک جهت جلوگیری از قاچاق مواد است.

دوم اینکه، آمریکا از جمله کشورهایی است که تجارت انواع مواد، حجم مالی بسیار بالایی دارد، در واقع جذابیت اقتصادی بالای قاچاق مواد در این کشور موجب شکل‌گیری گروه‌های سازمان‌یافته بین‌المللی قاچاق مواد شده که نشان می‌دهد رویکرد جنگ با مواد نه تنها کارساز نبوده، بلکه قاچاقچیان با شناسایی مسیرهای جدید ترانزیت مواد به آمریکا و حتی بازارهای جهانی، جنگ با مواد را در این کشور با چالش جدی روبرو شده است.

## دورنمای رخداد

یکی از نشانه‌های شکست عمیق سیاست جنگ با مواد در آمریکا شیوع گسترده اعتیاد به اپیوئیدهای تجویزی است. در گزارش‌های راهبردی بعدی به اعتیاد سایر مواد در این کشور می‌پردازیم. بحران شیوع اپیوئیدها در آمریکا به افزایش شدید شمار مرگ‌های ناشی از بیش‌مصرفی به حد بی‌سابقه ۶۴,۰۷۰ نفر در سال ۲۰۱۶ رسیده که از شمار سربازان آمریکایی کشته شده در جنگ ویتنام نیز بیشتر است. در همان سال مرگ و میرهای ناشی از بیش‌مصرفی اپیوئید در بریتانیا نیز رکورد جدیدی زد. بازار سیاه اپیوئید در استرالیا نیز در حال گسترش است و بیم آن می‌رود که این کشور هم به مسیر ایالات متحده رود.

در دهه ۱۹۸۰ برخی از پزشک‌های عمومی و نیز برخی پژوهش‌ها ادعا می‌کردند خطر اعتیاد به اپیوئید بسیار اندک است. پس از مدتی کارخانه‌های تولید دارو با آهنگی بسیار شدیدتر اقدام به تولید اپیوئیدهای مسکن کردند. پزشکان نیز با شدتی مضاعف این دسته از مسکن‌ها را تجویز می‌کردند. حتی برخی از پزشکان مدعی شدند که عدم تجویز اپیوئیدها قصور پزشکی است. رفته رفته این باور میان عموم رواج یافت که مصرف اپیوئیدها تنها راه درمان دردهای مزمن است. همزمان نیز متون زیادی در تأیید ایمنی، تأثیر بلند مدت و مخاطرات اندک اپیوئیدها در دستور کار قرار گرفت.





امروز اما واقعیت‌های متفاوتی در این خصوص می‌دانیم. دکتر راسل پورتنوی، یکی از هواداران مسکن‌های مخدری در دهه ۱۹۸۰ می‌گوید: «ما چیزهایی که امروز می‌دانیم را در آن سال‌ها نمی‌دانستیم.» سوء مصرف گسترده اوپیوئید امروزه منجر به اعتیاد و مرگ و میرهای زیادی در ایالات متحده شده است. دیگر کشورها از جمله کانادا، بریتانیا و استرالیا نیز این نرخ در حال افزایش است.

پیمایش ملی خانوارها که درباره مواد و داروهای اوپیوئیدی نیز از مشارکت‌کنندگان سوالاتی پرسیده به این نتیجه رسیده که عمده افراد معتاد به اوپیوئیدها معمولاً بیماران مصرف‌کننده مسکن‌ها نیستند. تنها شمار اندکی از سوء مصرف‌کنندگان داروی خود را با تجویز پزشک دریافت کرده‌اند. بلکه بیشتر دیده می‌شود که افراد جوان درون گروه‌های دوستی و نیز اعضای خانواده بیماران که از دردهای مزمن تبدیل به مصرف‌کننده اوپیوئیدها می‌شوند. در واقع نیمی از افراد مصرف‌کننده اوپیوئیدها ادعا می‌کنند دارو را از دوست و یا خانواده خود به صورت رایگان دریافت کرده‌اند. در بین بیماران میانسال که جدیداً به مصرف اوپیوئیدها معتاد شده‌اند اما بیشتر شاهد «عود اعتیاد» هستیم.

بیشتر افرادی که اقدام به سوء مصرف اوپیوئیدها می‌کنند (البته نه همه آنها) دارای سابقه مصرف مواد هستند. برای مثال در پژوهش جدیدی که افراد معتاد به اوکسی کنتین را مورد مطالعه قرار داده، این نتیجه مطرح می‌شود که اکثریت آنها سابقه مصرف کوکائین را دارند.

کشنده‌ترین مسکن اوپیوئیدی «فنتانیل» است که یک ماده مصنوعی مشتق از تریاک بوده و برای درمان برخی از دردهای بسیار کمی از آن تجویز می‌شود. فنتانیل از مورفین خیلی قوی‌تر است و در واقع آنالوگ ساختاری آن به حساب می‌آید. کارفنتانیل نیز دیگر آنالوگ ساختاری مورفین با قدرتی ۱۰,۰۰۰ بار بیشتر است. مصرف تنها ۰.۰۲/۰ گرم از این ماده توانایی کشتن یک انسان را دارد.

در ایالات متحده از سال ۲۰۱۴ میزان مرگ و میرهایی که ناشی از مصرف فنتانیل بوده ۵۴۰ درصد افزایش یافته است. در واقع، مرگ و میرهای ناشی از اوپیوئید، کوکائین و مت‌آمفتامین روی هم‌رفته افراد را زودتر از شیوع HIV (در بدترین حالت) می‌کشد. روزنامه نیویورک تایمز در تحلیلی که البته مبتنی بر گزارش‌های نه‌چندان متقنی از دپارتمان‌های وزارت بهداشت و مراکز پزشکی قانونی است، پیش‌بینی کرده اپیدمی اوپیوئید در آمریکا بدتر نیز خواهد شد.

این در حالیست که بودجه ناکافی باعث شده آزمایش فنتانیل تنها زمانی اتفاق بیوفتد که دلیل مشخصی وجود دارد. شیوع اوپیوئید در حال حاضر چند شهر کوچک در ایالات متحده را با خطری جدی مواجه کرده است. ویرجینیای جنوبی رکورددار بیشترین مرگ و میرهای ناشی مصرف انواع مواد در این کشور به شمار می‌آید.

## پایان